



۲۰۱۸/۰۶/۲۲



فرهاد لیبیب

چند سطر شکسته پیرامون تازه طنین ها

من سر جدال با هیچ کسی را ندارم . فقط دلم برای پامال شدن حقیقت می سوزد .

ما مردمی بخت بر گذشته ای هستیم ، در همه ای امور . هر روز گره تازه ای به کار ما افزوده میگردد . هر روز نفیر و نیرنگی دیگری از سیاهی ها به گوش های ما نواخته می شود . گویی حس سامعه ما صرف برای شنیدن دسیسه آفریده شده است .

شاید پنداشته اند که گویا عقل و منطق ما به فراموش خانه و یا زندان تاریخ تبعید شده است .

برای ما می گویند آنچه ما می گوئیم ، راست است ، آنچه که تو دیده و یا شنیده ای دروغ ، فراموش کن ، فقط : آنچه ما برایت می گوئیم ، بگو ... که آن راست و صواب است . و گر نه

عجیب روزگاری گویی فقط دیگران و بیگانه گان ، حق داران و راستگویان این سر زمین اند . گویی فقط مزدوران و پادوان دیگران ، آمران و صاحبان ما و سرزمین ما می باشند . چی بگوئیم ؟

باری من با کسی سر جدال ندارم ، اما دلم برای حقیقت می سوزد . دلم می سوزد برای آنچه بر ما گذشته است و می گذرد .

چهل سال از شهادت اولین رئیس جمهور سرزمین ما گذشت . شریک قتل و رهنمای قاتلین زنده است . نشانه های گلوله بر سینه و بازویش نمایان . ده ها فلم و مصاحبه او در داخل و خارج در دست رس . اما ... ما نه تنها به عمق حقایق آن لحظه های وحشتناک دست نیافتیم بلکه آن سایه روشن ها نیز در اثر دسایس تاریک و تایکتر می شوند .

چهل سال ما را پشت نخود سیاه " امام الدین " روانه کردند و هویت چهار نفر قاتل اصلی را پنهان نگه داشتند . چهل سال بعد ساز تازه ای را به گوش های ما طنین انداز است ، که گویا پسر رئیس جمهور ، اعضای خانواده اش را قتل عام کرده است و رییس جمهور هم خود کُشی . باری نه " امام الدین لوگری " در کار بوده است و نه هم کماندو های مخفی ای همراه اش .

(همین چند لحظه قبل در یکی از سایت ها خواندم که مزید بر کُشتار اهل خانواده داوود خان توسط پسرش میر ویس ، داوود خان نیز خودش را بدست خویش به هلاکت رسانیده است) .

آیا کسی از خود پُرسیده است که ، اگر چنین چیزی صورت گرفته ، آیا کله های کودتاچیان ، رهبران و رهنمان شانرا مار گزیده بود که آن جنایت هولناک را چنین توجه و اعلان کنند که : " داوود و برادرش در اثر مقاومت دیوانه وار کُشته شدند " ؟ .

آیا اگر چنین چیزی حقیقت می داشت ، بهترین و موجه ترین سند برای کودتا گران و بادران شان نمی بود که آن را برای تبریه خود ها از آن جنایت هولناک به کار می گرفتند ؟ .

د پانوی شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دلپکنې د لیکنيزې بڼې پاڼوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

چی آسان و چی محکم سندی ، که یکی از زنده مانده ها و زخمی های دست "میرویس" پسر شهید داوود خان را ، کودتا چیان به رادیو و تلویزیون برده و داستان غم انگیز شانرا باز گو می کرد و آنگاه قتل ریس جمهور و اعضای خانواده اش را ، عوض "مقاومت دیوانه وار" خود کُشی و قتل عام " هتلر وار" قلمداد می کردند . عوض لقب "فرعون" نام "هتلر" بر او می گذاشتند . وسلام "نه چرگی بود و نه پرگی" .

آیا کودتاگران ، رهبران و رهنمایان شان در سفارت شوروی این قدر احمق و نادان و بی خبر از اوضاع بودند که از این سند محکم در برانت شان استفاده ای درست نکردند و در عوض آن "تورن امام الدین" زخمی از کار افتاده را قهرمان داستان ساخته، قاتلین اصلی را در عقب او پنهان کردند و بس ؟

بگذریم از پرسش های چون :

شهید داوود خان کسیکه برای وزرای خود در همان قیامت کبرا میگوید " هر کی می خواهد تسلیم شود می تواند ، من تصمیم خودم را گرفته ام ." .
باری کسی که ، وقتی متیقن می شود که مقاومت سودی ندارد ، در حالیکه "صاحب جان" نیز در معیت او است برای "فضل الرحمن تاجیار" آمر اوپراسیون امر می کند که : " بچیم برو قطعه را تسلیم کن شما جوان هستید نمی خواهم که بیشتر از این کُشته شوید "
چی بگویم ... ؟

کسی که چنان عقیده ای محکم به خالق و و دساتیرش دارد که جانمازش همیشه در در موترش و "قران" پاک همیشه در گردنش آویزان است . چنین شخص معتقد و نا ترسی ، در آخرین لحضات زندگی ، در حالیکه فهمیده است دست روس و نوکرانش در این ماجرا دخیل است ، خلاف دستور خداوند (ج) عوض مقاومت دست به خود کُشی می زند ؟ . و یا به پسرش امر قتل مادر و همسر و حتا طفل شش ماهه اش را می دهد ؟ .

باری میرویس استاد آرام و با وقار پولی تخنیک ، کسی که در آن شب سیاه نمی تواند حتا بروی برادر زخمی اش که با تضرع از او میخواهد به زندگی اش خاتمه دهد ، مگر او قادر به چنین کاری نیست . باری چنین شخص ، بعد از چند ساعت ، مانند "رویات" از عاطفه و احساس خالی شده و به روی مادر و همسر آتش باری می کند ؟ .

باز هم صرف نظر از پرسش های تخنیکی مثلاً :

اسلحه ای دست داشته ای "میر ویس" پسر داوود خان چی بود ؟ تفنگچه ، کله شینکوف ، کله کوف یا هم پا په شه ؟ . (تفنگچه نظر به تعداد مرمی و نشانه گیری نمی تواند بیشتر از یکی ، دو نفری را از پا در آورد . ماشیدار پا په شه هم نظر به کهنگی آن در تشکیل قطعه ارگ موجود نبود) پس اگر قبول کنیم که "کله شینکوف" با جاغور و یا شاجور مملو از سی و یک مرمی در دست "میر ویس" بوده است .
حال این آتش باری به صورت ضربه بوده است و یا منفرد ؟ . اگر ضربه بوده است ، آیا قربانی ها به یک خط مستقیم مانند دیوار استاده و یا نشسته بودند ، منتظر اجرای اعدام ؟ .

اگر انداخت و آتش به صورت منفرد صورت گرفته ، آیا یک یک از قربانی ها ، بدون اینکه خود را از تیر رس نجات دهند و یا تقلا برای نجات نمایند ، خود را داوطلبانه نشانه ای گلوله سازند ؟
و تنها یک نفر خاتم از آن جمله چنین کاری (خود را از دید " میرویس" نجات می دهد) بس .

از همه جالبتر اینکه ، این خانم نجات یافته همراه با کسان دیگری واقف از ماجرا ، برای چهل سال این داستان را مانند اسرار مافوق سری دستگاه های استخباراتی پنهان نگه می دارند ، تازه بعد از چهار دهه آنرا از طبقه بندی خارج می سازند . علت این تاخیر را نیز روابط فامیلی قلمداد می کنند .

د پانو شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

این آگاهان بزرگوار نمی دانستند که : راز قتل رییس جمهور و اعضای خانواده او را هیچ فرد و فامیل مشخص حق ندارد به هیچ عنوانی ، ولو یک لحظه هم کتمان نماید . باری این موضوع و بدین بزرگی ، مربوط به هیچ فرد ، فامیل و روابط آنها نمی گردد . این موضوع مربوط مردم ، تاریخ و سرنوشت افغانستان می باشد . تعجب بر انگیز تر اینکه : هنوز هم منتظر "اجازه ای رسمی " از شاهدان عینی آن صحنه باید بود ؟؟ .

به هر حال .. قراری که بیشتر گفتم ، من سر جدال با هیچ کسی را ندارم . فقط دلم برای پامال شدن حقیقت می سوزد .

در پایان این مقدمه متذکر می شوم اینکه : هر گاهی که بدانم کسی و یا کسانی ، حقایق خلاف یادداشت ها و پنداشت های مرا بیان و عیان می دارد ، شرافت و شهامت آنرا دارم که آنرا ، نه تنها قبول نموده بلکه از جانب مقابل اظهار سپاس نیز بنمایم .

در فرجام اگر لازم افتد ، یادداشت ها و برداشت های خود را پیرامون کودتای ثور و به خصوص در رابطه ای موضوع فوق حضور خوانندگان محترم تقدیم خواهم کرد .

20 جون 2018

ودستاک - انتریو - کانادا



د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنيزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ